

بررسی تغییرات ارزش‌ها و رابطه‌ی آن با شکاف نسل‌ها (مطالعه موردی شهرهای استان مازندران)

* منوچهر پهلوان

کد مقاله: ۲۵۰

چکیده

تحقیق حاضر در پی توصیف، تحلیل و تبیین تغییر ارزش‌ها با تاکید بر مطالعه نسل‌ها و شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری این تغییرات در بین جوانان و مقایسه آن با نسل میانسال و بزرگسال در یک نمونه آماری ۸۲۰ نفر زن و مرد هفده تا شصت و چهار ساله ساکن در شهرهای استان مازندران می‌باشد. این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است و داده‌های مورد نیاز نیز از طریق پرسشنامه‌های مربوط گردآوری، استخراج و تحلیل شده است. هدف این بررسی هنجاریابی و شناخت اعتبار مقولات ارزشی موجود در فهرست دهگانه ارزشی شوآرتز در میان جوانان (۱۷-۲۹) ساله و مقایسه آن با دو نسل میانسال (۳۰-۴۴) و بزرگسال (۴۵-۶۴) و بررسی تفاوت معنی‌داری مقولات ارزشی به صورت مقطعی با توجه به فرضیه‌های تحقیق تنظیم شده است.

مطالعه حاضر در قالب چارچوب نظری تحقیق با استفاده از رهیافت کارکردگرایی و ساختارگرایی برای درک بهتر تغییر ارزش‌ها و تفاوت نسل‌ها بهره گرفته است. داده‌ها حاکی از آن است که گرچه برخی شباهت‌های ارزشی در زمینه ارزش‌های کلان در سطح اجتماعی و ملی وجود دارد اما در تعدادی از این مقولات و گرایش‌های ارزشی به ویژه در عرصه شخصی و فردی و یا راه‌های دستیابی به این طبقات ارزشی بین نسل‌ها و عمدتاً در بین جوانان تفاوت‌های معنادار مشاهده شده است.

عواملی همچون رسانه‌های گروهی، نوع خانواده، میزان نفوذ و قدرت اجتماعی، گروه مرجع، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، و اعتماد اجتماعی در کنار ویژگی‌های فردی مثل سن، جنسیت، سطح درآمد، نوع شغل، سطح تحصیلات در ایجاد تغییرات ارزشی در درون نسل‌ها تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: تغییر ارزش‌ها، عوامل اجتماعی مؤثر، نوع خانواده، میزان نفوذ اجتماعی و اعتماد اجتماعی.

مقدمه

ارزش‌های اجتماعی عناصر کلیدی نظام فرهنگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و بررسی و مطالعه آن‌ها نقش فوق‌العاده مهمی در شناخت بیشتر عناصر نظام فرهنگی دارد. اهمیت و ضرورت بررسی و شناخت ارزش‌های اجتماعی از آن روست که ترجیحات و جهت‌گیری‌های ارزشی یکی از اصلی‌ترین تعیین‌کننده‌های رفتارها و کنش‌های اعضای جامعه تلقی می‌شود. ارزش‌ها در ابعاد مختلف رفتاری، کرداری و پنداری تاثیرات شگرفی را در پی دارد و رفتارها و کنش‌های افراد را که ناشی از سمت و سوی ارزش‌های درونی شده جامعه در طول جامعه‌پذیری است، سبب می‌شود.

ارزش‌ها ریشه در اعتقادات، باورها و مناسبات اجتماعی دارد و بر اساس همین باورهاست که اعضای جامعه دست به قضاوت و داوری امور می‌زند: ارزش‌گذاری‌هایی همچون خوب یا بد، زشت یا زیبا، اخلاقی یا غیراخلاقی، از نظام ارزشی و فرهنگی هر جامعه‌ای نشأت می‌گیرد. ارزش‌ها به عنوان پدیده‌های اجتماعی از جمله ویژگی‌های مهم جوامع لحاظ شده و اهمیت آن‌ها در فرآیند شکل‌دهی و پیش‌بینی گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های رفتاری افراد بر کسی پوشیده نیست.

تغییر ارزش‌ها به تغییر مناسبات اجتماعی و تغییر نظام اجتماعی منجر می‌شود، از این‌روست که موضوع تغییر ارزش‌های اجتماعی از جمله حوزه‌های مورد توجه علمای اجتماعی است.

در حوزه علوم اجتماعی ارزش‌ها یکی از مفاهیم محوری به شمار می‌رود، مفهومی که زمینه و بستر هم‌گرایی علما و متفکرین این عرصه را فراهم آورد و همانند حلقه اتصال بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و علوم رفتاری عمل می‌کند. مثلاً در رشته جامعه‌شناسی دورکیم، ارزش‌ها را پدیده‌های عینی می‌داند که محصول مناسبات جامعه است. او مهمترین نظریات خود را در عرصه ارزش‌ها در نظریه انسجام اجتماعی، ناهنجاری و خودکشی بیان کرده است، و بر هم در آثار خود به ارزش‌ها پرداخته و تاثیرات و پیامدهای آن را بر ابعاد مختلف کنش‌های اجتماعی بیان کرده است، پارسونز در مباحث نظری خود رابطه بین ارزش‌ها و نقش آن در نظم اجتماعی را توضیح داده است.

کارل مارکس، فرهنگ، ایدئولوژی و ارزش‌ها را رو بنا فرض می‌کند و هابرماس در نظریه بحران مشروعیت، مانهایم در نظریه ایدئولوژی و یوتوپیا، مباحث مربوط به ارزش‌ها

را رونق بخشیدند، در رشته علوم سیاسی اینگل هارت بر پایه نیازهای مزلو به نظریه ارزش‌های مادی و فرامادی و تحولات فرهنگی جوامع غربی پرداخته است. و در رشته روانشناسی آلپورت، روکیچ و شوارتز در مبحث تفاوت‌های رفتاری به نقش ارزش‌ها می‌پردازند.

ارزش‌ها و نقش آن در تغییرات و تحولات اجتماعی از جمله مباحث حایز اهمیتی است که چه از سوی متفکرین خارجی و چه از سوی اندیشمندان داخلی در سال‌های اخیر توجه مضاعف شده است. تحولات یک صد سال گذشته ایران و آشنایی با دست‌آوردهای علمی غرب و وقوع حوادث و رخدادهای عظیم در کشور، شرایطی را به وجود آورده است که نیاز به مطالعه و شناخت آن را دو چندان کرده است.

فی‌المثل در سال‌های اخیر، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحریم و تغییر در ساختار و مناسبات اجتماعی شرایطی را در کشور حاکم کرده است که تغییر جهت‌گیری‌های ارزشی یا فاصله گرفتن و تفاوت نسل‌ها از جمله پیامدهای چنین شرایطی است. گرچه روند تغییرات و تحولات از دهه چهل با طرح‌های اقتصادی، اجتماعی و اصلاحات ارضی در کشور سرعت گرفته است، اما در طول دو دهه اخیر این روند سرعت و شدت بیشتری دارد، لذا تحقیق حاضر در پی بررسی عوامل سبب‌ساز آن در بین نسل جوان و مقایسه آن با دو نسل دیگر است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

برای آشنایی بیشتر با پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در عرصه ارزش‌ها و نسل‌ها صورت گرفته است نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم. مثلاً تحقیقی با عنوان «تاثیر وسایل ارتباط جمعی در تغییر نظام ارزشی جامعه» مربوط به دکتر فرامرز رفیع‌پور، به بررسی فیلم‌های پرفروش و با استفاده از تحلیل محتوای پیام‌های تبریک و تسلیت مندرج در روزنامه‌های سال‌های ۵۶-۷۲ می‌پردازد. در این تحقیق ارزش‌های مادی و ثروت‌جویی، مصرف‌گرایی و ارزش‌های مذهبی، پژوهش شده است، نتایج نشان می‌دهد که پایگاه‌های پایین در نظر افراد، بد و پایگاه‌های بالا از طرف دیگر خوب جلوه می‌دهد. افراد جامعه چون نمی‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند، از وضعیت موجود ناراضی‌اند، و با اتخاذ روش‌های خاص به خودنمایی می‌پردازند. او همچنین نتیجه می‌گیرد که افراد صاحب‌مقام به تدریج به کرنش

و تمجید دیگران خو می‌گیرند و ارزش خود را بالاتر از دیگران می‌پندارند، لذا این امر ضمن این‌که بین آن‌ها و سایر اعضای جامعه فاصله ایجاد می‌کند، موجب می‌شود که از کوچکترین انتقاد ناخشنود گردند و در مقابل از تملق و افراد متملق بیشتر استقبال کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

در مقاله «تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌های ارزشی» ابتدا ضمن تعریف مختصری از ارزش‌ها و شیوه‌های بررسی و طیف‌بندی آن‌ها به مطالعه بین فرهنگی پرداخته شده است و آن‌گاه به دسته‌بندی اولویت‌های ارزشی مردم ایران همراه با خصوصیات پیشینه‌ای نظیر سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد و وضعیت تأهل می‌پردازد. بر اساس یافته‌های تحقیق و بر پایه دو فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن اینگل هارت، مقاله نتیجه می‌گیرد که شرایط اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کشور، باعث اولویت‌دادن به ارزش‌های مادی شده است، زیرا در جامعه ما جوانان احساس صداقت، اعتماد و امنیت اجتماعی کمتری نسبت به سایر گروه‌های سنی دارند و این در گرایش آن‌ها به سوی ارزش‌های مادی بسیار مؤثر بوده است (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۷، صص ۱۹۸-۱۶۷).

در مقاله «گسست نسلی در ایران، افسانه یا واقعیت» به دو واقعیت گسست نسلی (توهمی انکارناپذیر یا واقعیتی انکارناپذیر) اشاره می‌شود و جمله‌ای از لاور ذکر می‌شود که این مضمون «اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است». مقاله ضمن تقسیم گروه‌های سنی به صفر تا ۲۴ ساله (نسل سوم)، ۲۵ تا ۵۴ ساله (نسل دوم) و ۵۵ تا ۸۵ ساله به بالا به عنوان نسل اول به ویژگی‌های جمعیتی، وضع سکونت، وضعیت سواد، جمعیت دانشجویان، جمعیت فارغ‌التحصیلان، وضعیت شغلی و بیکاری نسل‌ها پرداخته و معتقد است که جمعیت شهری ما با گسترش ارتباطات، آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی در مقایسه با دهه‌های قبلی کاملاً دگرگون شده است (چیت‌ساز، ۱۳۸۲، صص ۳۲۸-۳۱۱).

دکتر حمید عبداللهیان در مقاله «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران» به این اشاره می‌کند که نسل‌های جدید ایران از نسل‌های دهه ۴۰ و ۵۰ متفاوت است. در ادامه مقاله او به مفهوم‌سازی و ملاحظات جمعیت‌شناختی تغییرات اجتماعی، و شیوه‌های فرهنگی و روابط ترکیبی جدید انسجام اجتماعی، به تاثیر مذهب بر تغییرات اجتماعی و

آسیب‌ها و تحولات ارزشی توجه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که تغییرات حاصل در دو بخش معرفتی مسأله یا شکاف نسلی و تبیین تغییرات اجتماعی در جامعه معاصر نهفته است. بنابراین نسل‌های مردان و زنان به عنوان نیروهای اجتماعی جدید در ایران بر نهادهای اجتماعی تاثیرگذار شده است (عبداللهیان، ۱۳۸۲، صص ۲۶۶-۲۵۱).

همچنین تحقیقی با عنوان «بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ارزشی دو نسل دختران و مادران و میزان پیوستگی یا شکاف ارزشی این دو نسل» به سال ۱۳۷۸ با نمونه ۱۰۲ دانش‌آموز و ۱۰۱ مادران دانش‌آموز که از بین دختران دانش‌آموز دوم متوسطه آموزش و پرورش از منطقه پنج تهران انتخاب شدند.

ارزش در اینجا به معنی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی تعریف می‌گردد و نسل نیز به معنی گروهی از افراد که تقریباً همزمان متولد و متقارن با یک رویداد تاریخی بوده‌اند تعریف می‌شود. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که به رغم نگرانی‌هایی که در کاهش تعلق خاطر جوانان به ارزش‌های مذهبی وجود دارد، شاخص تعلق خاطر آن‌ها به ارزش‌ها نسبتاً مطلوب است. این دو نسل به احکام دینی یا بعد پیامدی آن معطوف است. حال آن‌که هر دو نسل عموماً به ارزش‌های معطوف به رستگاری یا بعد اعتقادی دین‌داری به شدت تعلق خاطر دارد. لذا از حیث ارزش‌های مذهبی فاصله عمیق میان دو نسل به چشم نمی‌خورد (توکلی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۴-۹۷).

مبانی نظری تحقیق

این‌که کدام یک از عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی باعث تغییر در جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان با نسل‌های دیگر جامعه شده است، متضمن شناخت مکانیزم‌ها و سازوکارهای ساختاری جامعه است که جا دارد آن‌ها را در قالب چارچوب نظری و تئوریکی مباحث پی‌گیری کنیم.

نظریه‌ها در تحقیقات و پژوهش‌های اجتماعی وظایف و نقش‌های مختلفی دارد، چرا که یک محقق با استناد به تئوری‌ها و چارچوب نظری می‌تواند مسیر علمی و بین‌ذهنی خود را ادامه دهد، به عبارت دقیق‌تر دستگاه‌های نظری می‌تواند چراغ راه و هدایت‌گر محقق در انجام پروژه‌های پژوهشی باشد.

با توجه به این مقدمه، نظریه‌هایی که در تحقیق حاضر در بحث ارزش‌ها و تغییرات آن مطالعه می‌شود عبارتند از نظریه کارکردگرایی و ساختارگرایی. بسته‌های نظری فوق تاحدودی به تغییرات ارزشی در بحث نسلی پرداخته است.

الف) دیدگاه کارکردگرایی: در این نحله‌ی فکری عناصر متشکله نظام اجتماعی از جمله فرهنگ و ارزش‌های آن به عنوان جزوی از نظام کلی‌تر دارای کارکردها و وظایف مثبت و سازنده برای حفظ و بقای کل جامعه می‌باشد. بنابراین کارکرد و نقش هر یک از اجزا و ارتباط آن با یکدیگر و انسجام و وفاق ارزش‌ها برای دوام و قوام جامعه و مشارکت هر یک از عناصر در بقا یا امحای جامعه تاکید می‌شود. بر مبنای چنین چارچوب فکری تغییرات ارزشی مغایر با کلیت نظام اجتماعی، انسجام و همبستگی درونی آن است. با توجه به اصل وحدت کارکردی آنچه که برای موضوع حاضر کاربرد دارد، تاکید بر وحدت کارکردی ارزش‌های اجتماعی است، بنابراین در تحلیل نهایی پدیده‌های اجتماعی علاوه بر علت شکل‌گیری پدیده کارکرد یا کارکردهای اقتصادی - اجتماعی آن نیز مورد تاکید می‌گردد:

در کشور ما ارزش‌های غیررسمی یا متعارف کارکردهایی دارد، حال نادیده گرفتن این ارزش‌ها و تغییرات آن به نظر مطلوب نیست. نفی بخشی از ارزش‌ها در بین نسل‌ها علاوه بر این که مشارکت نکردن نسل‌ها را موجب می‌شود، ساماندهی و مدیریت ایجاد وفاق و همبستگی بین نسلی، دچار نقصان می‌شود و آسیب‌ها و آفت‌هایی را موجب می‌گردد که در جای خود بسیار حایز اهمیت است.

در نتیجه عوامل موجهی ارزش‌های متعارف در هر فرهنگی غیرقابل اجتناب است، بویژه در جوامعی که به قول روکیچ و شوآرتز افراد از شرایطی که در آن بی‌اعتمادی وجود دارد و درون آن جامعه یک نوع بلا تکلیفی و ابهام موج می‌زند، دوری می‌جویند. حال در چنین موقعیتی نمی‌توان تبلور ارزش‌های جدید را نادیده گرفت، بلکه مدیریت سیاسی جامعه مطلوب است، فضای نسبتاً آزادی را برای مشارکت تمامی طبقات و نسل‌های جامعه ایجاد نماید تا زمینه‌ها و بسترهای جذب ارزش‌های غیررسمی و یا عامه‌پسند در فرهنگ ملی فراهم آید.

نکته قابل فهم دیگری که از نحله کارکردگرایی استخراج می‌شود، بحث همبستگی عناصر و وفاق ارزشی در تحلیل کارکردی است و این امر بقا، دوام و قوام نظام کل جامعه را سبب می‌شود. به موجب این رهیافت بقای هر نظامی مستلزم مشارکت آگاهانه‌ی همه عناصر و جریان‌های فرهنگی در راستای تقویت و توسعه پایدار جامعه است، نه صرفاً یک طبقه، نسل یا بخش خاص از جامعه. از آن جایی که بقای کل جامعه در میزان همبستگی اجتماعی متکثر و منتشر می‌شود، لذا بدون مشارکت همه عناصر ارزشی، کارکرد جامعه مختل می‌شود و آن جامعه به قول دورکیم به سوی آنومی و ناهنجاری میل می‌کند.

ب) دیدگاه ساختاری: نحله فکری ساختارگرایی بر این باور است که هر گاه بین عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده یک مجموعه رابطه‌ای نسبتاً ثابت مستحکم و استوار به وجود آید، به معنی اخص کلمه ما به یک مفهومی به نام ساخت دست می‌یابیم. از منظر این رهیافت در درون یک نظام اجتماعی برای برقراری مناسبات اجتماعی متعادل و متوازن وجود اصل تعادل و توازن یک امر بدیهی به نظر می‌آید.

نظریه‌پردازان این دستگاه فکری بر این اندیشه‌اند که ساخت اجتماعی بیشتر از نوع انتزاعی، انضمامی و یک امر تجربیدی است که به معنای مقیاسی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی لحاظ می‌شود. به عبارت دیگر هر جزء و یا هر بخشی از ساختار اجتماعی در راستای دوام و قوام کل نظام اجتماعی مدخلیت دارد و در عین حال در بقا و ثبات عناصر و مؤلفه‌های دیگر نقش فوق‌العاده مهم ایفا می‌کند (توسلی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶).

پارسونز به عنوان یکی از تئوریسین‌های برجسته این نحله‌ی فکری معتقد است که هر نظام برای پویایی و حیات خود ناگزیر به استفاده از ادوات و ابزارهایی مثل انطباق، هدف‌یابی، وحدت و هم‌گرایی در کلیت یک سیستم است. با این وجود یکی از مهم‌ترین الزام یک نظام اجتماعی وجود سیستمی از ارزش‌های فرهنگی است که وفاق و همدلی ارزشی و اجتماعی بر اساس آن تبلور یابد (پارسونز، ۱۹۸۹، ص ۱۵۲).

نظریه او بر این قاعده استوار است که نظام فرهنگی بر دیگر قطب‌های اجتماعی نظارت و کنترل دارد و شناخت و ترسیم تغییرات ارزشی در هر جامعه فرضی با توسل به ردیابی تحولات فرهنگی ساخت‌مند ممکن می‌شود. نکته قابل توجه در این استنباط نهفته است که به زعم او اگر ما قایل به فهم تحولات اجتماعی هستیم، لاجرم بایستی به پهنه و عرصه

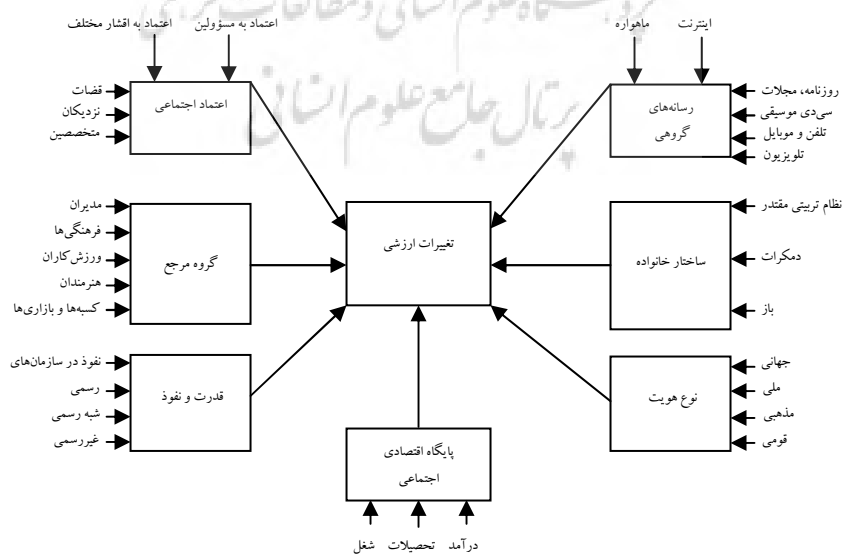
تحولات ارزشی جامعه رجوع کنیم. لذا درک و تحلیل مسایل اقتصادی - اجتماعی جامعه تنها در درک واقع‌بینانه دگرگونی‌های فرهنگی در تمامی عرصه‌ها با توجه به نظریه ساختاری مستوجب تعمیم‌پذیری ادراک ما از تحولات ارزشی نسل‌ها می‌شود.

مدل تحقیقی

با بررسی‌های به عمل آمده در نظریه‌های حوزه جامعه‌شناسی ارزش‌ها و نسل‌ها و با الهام از مباحث نظری و دیدگاه‌های صاحب‌نظران معاصر و با تلفیق تئوری‌های موجود تحقیق حاضر در قالب چارچوب نظری با استفاده از رهیافت کارکردگرایی و ساختارگرایی برای درک بهتر تغییر ارزش‌ها و تفاوت نسل‌ها بهره گرفته است. در بخش متغیر وابسته تحقیق سعی شده است از مقولات موجود در فهرست ارزش‌های دهگانه شوآرتز استفاده شود.

مدلی که پیش‌رو داریم با پشتوانه نظری طراحی شده است و بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات روابط بین متغیرهای مدل جرح و تعدیل شده و میزان شدت و نحوه تاثیرگذاری هر یک از متغیرها مشخص خواهد شد. مفاهیم و متغیرهای مندرج در مدل پیش‌رو بیانگر شکل‌گیری و جهت‌گیری‌های ارزشی افراد و اعضای نسل‌های سه‌گانه در دستگاه ذیل است.

نمودار شماره (۱): مدل علی و تحلیلی تغییرات ارزشی در بین نسل‌ها



فرضیه‌های تحقیق

اطلس اقتصادی - اجتماعی ارزش‌های اعضای جامعه و جهت‌گیری‌های آن محتملاً نسلی به نظر می‌رسد و گستره‌ی ارزش‌های خاص افراد یک نسل جدای از مقولات جنسی، منزلتی و طبقه اجتماعی نیست. گرچه در درون یک نسل خاص امکان تغییر جهت‌گیری‌ها در گرایش‌ها و ارزش‌ها نیز وجود دارد. با توجه به همین رهیافت فرض کلی تحقیق بر این است که در تعیین جهت و تغییر ارزش‌های اجتماعی جوانان (متغیر اصلی) در کنار متغیرهای تجارب نسلی، هویت نسلی و موقعیت نسلی، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی دیگری وجود دارد مثل جنسیت، سطح سواد، تأهل، سن، نوع شغل و سطح درآمد که در مقایسه با مقولات نسلی از تاثیرگذاری خاصی دارد.

فرضیه‌های خاص:

با توجه به مسأله اصلی تحقیق، شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در تغییر ارزش‌های جوانان و علل گرایش نسل‌ها به جهت‌گیری‌ها و پذیرش‌های متفاوت ارزش‌ها و با توجه به انتخاب رویکرد نظری خاص موضوع پژوهش دستگاه فرضیه‌های ذیل که در این مطالعه به محک آزمون تجربی در می‌آید به قرار ذیل بیان می‌شود:

- ۱- تفاوت در دسترسی به رسانه‌های جمعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.
- ۲- تفاوت در داشتن میزان اعتماد اجتماعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.
- ۳- تفاوت در داشتن نوع خانواده بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.
- ۴- تفاوت در گزینش نوع گروه مرجع بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.
- ۵- تفاوت در میزان نفوذ و قدرت اجتماعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.
- ۶- تفاوت در پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.

۷- تفاوت در نوع هویت اجتماعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.

در این بررسی به منظور کنترل و مقایسه روابط و مناسبات اجتماعی و برای شناخت رابطه خاص بین نسلی از متغیرهای دموگرافیک و زمینه‌ای نظیر جنسیت، سطح سواد، سن و... استفاده شده است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش با استفاده از پرسشنامه حضوری برای تکمیل سؤال‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه مردان و زنان ۱۷ تا ۶۴ سال ساکن در شهرهای استان مازندران را شامل می‌شود. همچنین برای تعیین میزان نمونه تحقیق با توجه به لحاظ قرار دادن امکانات، تجهیزات، پرسنل و هزینه جهت تکمیل پرسشنامه از فرمول کوکران استفاده شده است.

با توجه به طرح‌های مشابه انجام شده و با ملاحظات آماری عدد در نظر گرفته شده برای $(p=0/07$ و $q=0/03$) می‌باشد و سطح اطمینان ۹۵ درصد $(t=1/96)$ لحاظ شده است. بنابراین تعداد نمونه مورد نیاز برای سه نسل بر حسب فرمول محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{(N-1)d^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{82132(3/84)(0/21)}{(82131)(0/044)^2 + (3/84)(0/21)} = 410$$

تعداد نمونه جوانان

$$n = \frac{58676(3/84)(0/21)}{(58675)(0/059)^2 + (3/84)(0/21)} = 228$$

تعداد نمونه میانسالان

$$n = \frac{23702(3/84)(0/21)}{(23701)(0/067)^2 + (3/84)(0/21)} = 182$$

تعداد نمونه بزرگسالان

$$\text{کل نمونه} = 410 + 228 + 182 = 820$$



(بزرگسالان) (میانسالان) (جوانان)

توضیح: تعداد نمونه‌های سه نسل برابر با ۸۲۰ نفر می‌باشد. به عبارت دیگر (۵۰) درصد نمونه آماری از جوانان به تعداد ۴۱۰ نفر و در حدود (۲۷/۸) درصد برابر با ۲۲۸ نفر از بین میانسالان و (۲۲/۲) درصد برابر با ۱۸۲ نفر از میان بزرگسالان انتخاب شدند.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی نسبی گروه‌های سنی به تفکیک محل نمونه‌گیری

محل نمونه نسل‌ها	بهشهر		ساری		بابلسر		رامسر		جمع
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
جوانان	۷۸	۱۹/۱	۱۴۸	۳۶/۱	۱۱۶	۲۸/۳	۶۸	۱۶/۶	۴۱۰
میانسالان	۵۰	۱۲/۴	۷۴	۱۸/۳	۵۸	۱۴/۳	۴۶	۱۱/۳	۲۲۸
بزرگسالان	۴۶	۱۱/۳	۲۵	۶/۲	۵۰	۱۲/۴	۳۴	۸/۳	۱۸۲
جمع	۱۷۴	۲۱/۲	۲۷۴	۳۳/۴	۲۲۴	۲۷/۳	۱۴۸	۱۸/۱	۸۲۰

در جدول فوق تعداد ۱۷۴ نفر از شهر بهشهر، ۲۷۴ نفر از ساری، ۲۲۴ نفر از بابلسر و ۱۴۸ نفر از رامسر انتخاب گردیدند.

با توجه به لحاظ قرار دادن هرم ساختاری جمعیت استان سهم هر یک از شهرها در کنار جمعیت سه نسل جوان، میانسال و بزرگسال با محاسبه حجم نمونه درصد انتخاب شده با رعایت حداقل الزامات آماری و انتخاب واحدهای تحلیل (پاسخگویان) در هر یک از چهار نقطه که در حد ممکن ویژگی تصادفی بودن خود را حفظ کرده باشد، انتخاب افراد در مناطق مربوطه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بدین شکل بوده است که ابتدا شهرها به چند منطقه اصلی تقسیم گردید، و در هر منطقه، تعداد منزل در نظر گرفته شد و با اولین کسی که جلوی درب منزل حاضر می‌شد به شرط این‌که فرد مورد نظر حاضر به مصاحبه باشد و نفر سومی هم (به عنوان مزاحم) حضور نداشته باشد و همچنین فرد پاسخگو در رده سنی مورد نظر قرار داشته باشد آنگاه مصاحبه صورت می‌گرفت:

برای این‌که واریانس پاسخگویان در پاسخگویی در شهرهای مورد نظر کاهش یابد، سعی شده است دست کم پاسخگویان از درون یک خانوار یا خانواده گزینش شوند. چرا که به لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نوع نظام تربیتی و نحوه جامعه‌پذیری افراد شباهت‌های هر چند اندک به لحاظ شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین اعضای نسل‌ها در یک خانواده وجود دارد.

نتایج و یافته‌ها

از هفت فرضیه‌ی ارائه شده در جهت‌گیری و تغییر ارزش‌های جوانان شش فرضیه معنادار بوده است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

الف) فرضیه اول: فرض شده بود که تفاوت در میزان اعتماد اجتماعی بر تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد. بدین سبب بعد از محاسبه ضرایب رگرسیون دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و تغییر ارزشی، جوانان نتایج حاصل در جدول ذیل به طور خلاصه بیان می‌شود.

جدول شماره (۲)

مدل	ضریب رگرسیون	رگرسیون مجموع مجذورات	مجذور سازگاری رگرسیون	برآورد خطای استاندارد	تغییرات آماری				
					تغییرات مجذور رگرسیون	تغییر ضریب f	درجه آزادی	درجه آزادی	سطح معناداری تغییرات
۱	۰/۶۳۶	۰/۴۰۴	۰/۴۰۳	۰/۹۹۷۶۶	۰/۴۰۴	۳۷۷/۰۶۲	۱	۴۰۸	۰/۰۰۰

جدول شماره (۳)

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری	همبستگی		
	B	خطای استاندارد	Beta			همبستگی صفر	همبستگی جزئی	همبستگی تفکیکی
(عدد ثابت)	۱/۶۹۷	۰/۱۰۹	۰/۶۳۶	۱۵/۵۰۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۶	۰/۶۳۶	۰/۶۳۶
اعتماد اجتماعی	۰/۰۳۴	۰/۰۳۴		۱۶/۶۴۵	۰/۰۰۰			

همان‌طوری که از جدول اول بر می‌آید، تغییرات متغیر وابسته از دیدگاه نسلی در بین جوانان برابر با $R=0/636$ است که مقدار تصحیح شده این عدد معادل با $0/403$ است. این ضریب هر چه قدر به یک نزدیک‌تر گردد، بیانگر میزان وابستگی متغیر وابسته به متغیرهای مستقل است. چون در این ضریب تعداد درجات آزادی مورد لحاظ نشده است. لذا ضریب تعیین بیانگر این حقیقت است که $0/40$ درصد تغییرات ارزشی به متغیر اعتماد اجتماعی بر می‌گردد. ضریب $(Beta)$ در جدول دوم نیز برابر با $(0/636)$ است. آزمون t استیودنت برابر با $16/645$ است و تا سطح هزارم نیز این متغیر معنی‌دار است.

در جدول دوم سه نوع همبستگی وجود دارد: همبستگی صفر $(Zero-order)$ همبستگی ساده که بدون در نظر گرفتن دیگر متغیرهای معادله است، بنابراین می‌بینیم که این ضریب در کنار همبستگی جزئی $(Partial)$ و همبستگی نوع سوم یعنی تفکیکی $(Part)$ برابر با

(۰/۶۳۶) است. نتیجه این می‌شود که در بین جوانان اعتماد اجتماعی با تغییر ارزش‌ها ارتباط معنی‌دار دارد، لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض تحقیق دال بر ارتباط معنادار بین اعتماد اجتماعی و تغییر ارزش‌ها با آلفای بالا پذیرفته می‌شود.

ب) فرضیه دوم با $R=0/460$ نیز پذیرفته شده است: بنابراین تفاوت در میزان دسترسی و استفاده از رسانه‌های جمعی بر تغییر و جهت‌گیری ارزشی جوانان تاثیر معنادار می‌گذارد.

پ) فرضیه سوم با $R=0/371$ نیز پذیرفته شده است: بنابراین بین میزان نفوذ اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی جوانان تاثیر معنادار وجود دارد.

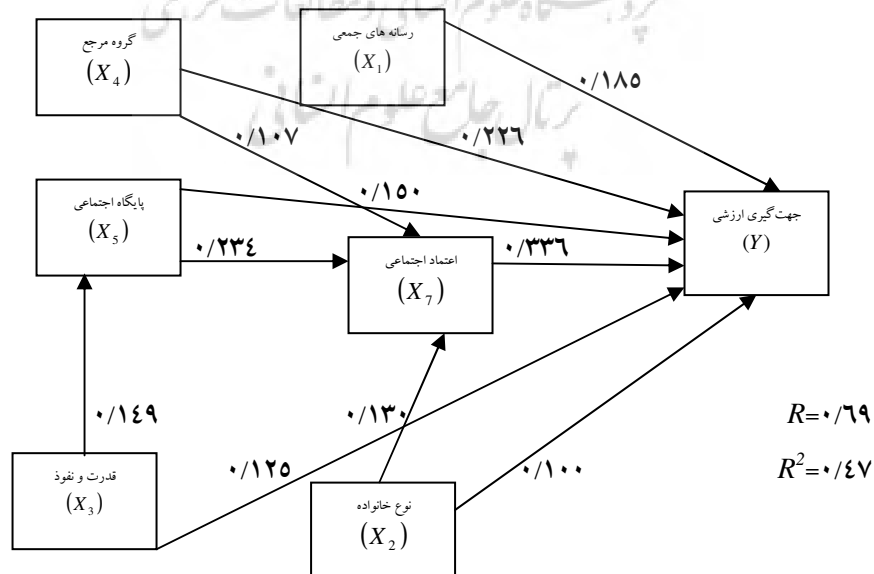
ت) فرضیه چهارم با $R=0/408$ نیز پذیرفته شده است: بنابراین بین انتخاب گروه مرجع با تغییر و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان ارتباط معنادار وجود دارد.

ث) فرضیه پنجم با $R=0/390$ پذیرفته شده است: بنابراین بین نوع پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهت‌گیری ارزشی جوانان ارتباط معنادار وجود دارد.

ج) فرضیه ششم با $R=0/331$ پذیرفته شده است: بنابراین بین نوع خانواده و جهت‌گیری ارزشی جوانان ارتباط معنادار وجود دارد.

ح) فرضیه هفتم با $R=0/162$ پذیرفته نشده است: یعنی بین نوع هویت و جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان ارتباط معنادار وجود ندارد.

نمودار شماره (۲): مدل علی دیاگرام مسیر بر اساس ضرایب استاندارد شده متغیرهای تحقیق



توضیح: دیاگرام علی و مدل تحلیل مسیر در نمودار فوق نشان‌گر مطالب ذیل است:
همان‌طوری که می‌بینیم تغییر جهت‌گیری ارزشی در بین نسل جوان با توجه به مدل تحلیل (به عنوان متغیر وابسته) مبتنی بر متغیرهای مستقل ارایه شده است. به عبارت دقیق‌تر فرآیند تغییر ارزشی در بین جوانان با توجه به ضرایب محاسبه شده نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه برابر با $(R=0/696)$ است که ضریب نسبتاً خوبی است. اما با دخالت درجه آزادی و ضریب تعیین، عدد $(R^2=0/478)$ به دست آمده است، یعنی این ضریب حدود $(/47)$ درصد تغییرات در جهت‌گیری‌های ارزشی را تبیین می‌کند. حال با توجه به تاثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل، مقدار تغییرات در جهت‌گیری ارزشی با وجود متغیرهای مستقل را بیان می‌کنیم:

رسانه‌های جمعی (x_1) به طور مستقیم $(0/185)$ درصد تغییرات ارزشی را تبیین می‌کند.
نوع خانواده (x_2) به طور مستقیم $(0/100)$ درصد تغییرات ارزشی را تبیین می‌کند.
قدرت و نفوذ اجتماعی (x_3) به طور مستقیم در حدود $(0/125)$ درصد تغییرات را تبیین می‌کند.

گروه مرجع (x_4) در حدود $(0/226)$ درصد تغییرات را تبیین می‌کند.
اعتماد اجتماعی (x_7) در حدود $(0/336)$ درصد تغییرات را مشخص می‌سازد.
و پایگاه اقتصادی اجتماعی (x_5) در حدود $(0/150)$ درصد تغییرات را مشخص می‌سازد.

تاثیرات غیرمستقیم متغیرها برای تبیین تغییرات به قرار ذیل می‌آید:
گروه مرجع به طور غیرمستقیم $(0/035) = (0/336) (0/107) = p$ تغییرات را تبیین می‌کند.

پایگاه اقتصادی اجتماعی $(0/079) = (0/336) (0/234) = p$ تغییرات را تبیین می‌کند.
خانواده به طور غیرمستقیم $(0/044) = (0/336) (0/130) = p$ تغییرات را تبیین می‌کند.
قدرت و نفوذ $(0/012) = (0/336) (0/234) (0/149) = p$ تغییرات را تبیین می‌کند.
بنابراین قدرت پیش‌بینی در نمودار فوق با توجه به ضرایب به دست آمده تا (47) درصد قابلیت پیش‌بینی تغییرات را دارد و مابقی تغییرات به متغیرهای دیگری بر می‌گردد که در این نمودار بیان نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب و گزینش اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی به عنوان یک واقعیت اجتماعی ریشه‌های عمیق تاریخی، فرهنگی و اقتصادی دارد. بنابراین بیان تغییر ارزش‌ها و مطالعه آن در بین نسل‌ها به معنی آن نیست که این پدیده در طول یکی دو دهه اخیر به وجود آمده است. پدیده تغییر ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های آن در طول تاریخ از یک دوره به دوره دیگر و یا از یک نسل به نسل دیگر شکل گرفته و گسترش یافته است. چه بسا دست‌آوردهای نوین علمی در جوامع پیشرفته ناشی از تغییر جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های نسل پسین در برابر نسل‌های پیشین بوده است. در طول دهه‌های اخیر به اقتضای ماهیت مناسبات اجتماعی و نظام فرهنگی جامعه تغییرات و جهت‌گیری‌های ارزشی با فراز و فرودهای مختلف تداوم یافته و متحول شده است. اما به نظر می‌آید، فرآیند و عمق این جهت‌گیری‌ها در بین نسل‌های بعد از انقلاب بالاخص در بین جوانان و نوجوانان از سرعت بیشتری دارد.

به نظر می‌آید مهمترین تغییر ارزشی بین نسل‌ها در ایران تغییر بین سنت و تجدد است. در عرصه کنش‌های اجتماعی تحت تاثیر توسعه نامتوازن، اقتصاد نامتعادل و مناسبات اجتماعی تبعیض‌آمیز باعث فاصله گرفتن ارزش‌های رسمی و عینی از ارزش‌های غیررسمی و ذهنی شده است. ساختار کنش قدرت سازمانی و مدیریت سیاسی جامعه در کنار روابط اجتماعی نامتعادل، احساس عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی موجب تغییر جهت‌گیری‌های ارزشی در بین جوانان به سمت اولویت‌های مادی و فردی برای رسیدن به قدرت، سرمایه اجتماعی و کسب منزلت مناسب و نشان دادن اقتدار و جایگاه اجتماعی‌شان است.

بیم و هراس اقتصادی و اجتماعی، احساس اجحاف و ناکامی، ناامنی و قاطع نبودن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باعث ایجاد فشار مضاعف به سمت مصرف کالاها و تولیدات اجتماعی که دارای ماندگاری نسبی است مثل کسب ثروت، دارایی، جمع‌آوری سرمایه و ثروت منقول و غیرمنقول و هر آنچه که در چشم اعضای جامعه به عنوان دارندگی و برازندگی است، بیش از پیش مطرح می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که ناهمگونی و عدم تجانس ارزشی در بین جوانان بیشتر از دو نسل میانسال و بزرگسال است. این امر با توجه به جمعیت زیاد و فزاینده جوانان در کشور و

هرم ساختاری تنوع جمعیتی از چالش‌های مهم مدیریت سیاسی جامعه محسوب می‌شود. بنابراین یکی از پیامدهای سلطه ارزش‌های رسمی از سوی نخبگان قدرتمند جامعه در مدیریت فرهنگی، ایجاد فاصله بین پذیرش و تقبل ارزش‌های ذهنی و عینی است. از آنجایی که پذیرش ذهنی و درونی ارزش‌ها قوام و دوام بیشتری دارد. لذا تغییر ارزش‌های عینی و بیرونی در نتیجه دویت و دوگانگی رفتاری جامعه شدت وحدت بیشتری خواهد داشت.

از سوی دیگر با توجه به فرآیند جهانی شدن و گسترش ارتباطات وسیع و همه‌جانبه و فشار هنجاری، ارزش‌های عام‌گرایی و بین‌المللی، حکمیت و مشروعیت برخی از اولویت‌های ارزشی جامعه را بالاخص نزد جوان‌تر دچار چالش کرده است که انتهای این طیف را می‌توان به جوانان بی‌هویت، جدا افتاده، منزوی و کناره‌گیر و یا حتی خرده فرهنگ‌های معارض نسبت داد.

اگر ارزش‌های رسمی و دولتی و ارزش‌های غیررسمی و عمومی برای جذب و جلب هنجار فرستادن و تعیین اولویت‌های ارزشی در تقابل قرار گیرند و برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، تصمیمات دولتی و اتخاذ استراتژی‌های کلان به ایجاد آشتی و وفاق ملی و ارزشی بین این دو طیف فرهنگی نینجامد، آن دسته از جوانانی را که در آستانه پذیرش و تقرب ارزشی به نظام فرهنگی جامعه‌اند، دور ساخته و ناخواسته هزینه مضاعفی را برای نهادینه ساختن مجدد این ارزش‌ها بر جامعه تحمیل خواهد کرد و شاید هم این امر به یکی از تجارب ناموفق در جلب نظر جوانان خواهد انجامید.

پیشنهادها

با توجه به رهیافت نظری و همچنین بر اساس نتایج تحقیق یادآوری می‌شود که بررسی تغییر ارزشی از جمله موضوعات پژوهشی بسیار پیچیده با ابعاد متعددی است. در کل می‌توان گفت که تغییرات ارزشی بین نسل‌ها ناشی از عوامل درون نسلی و بیرون نسلی است و عواملی همچون اعتماد اجتماعی، نوع خانواده، گروه مرجع، نفوذ اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و رسانه‌های جمعی است، لذا ضمن تعیین سهم و مشارکت هر یک از عوامل به طور تفصیلی و تحلیلی نیز بایستی تبیین شود. گستره تغییرات ارزشی در اثر

عوامل خرد، میانه و کلان در دوره‌های مختلف اقتصادی اجتماعی، زمانی با سرعت بالا، زمانی با سرعت متوسط و زمانی با کندی به پیش می‌رود.

برآیند این امر باعث شکل‌گیری پدیده‌ای به نام تغییرات اجتماعی شده است، حال اگر این تغییرات تبدیل به غربت بین نسلی شود، ما دچار افت منزلتی ارزش‌های اجتماعی خواهیم شد. البته به یاد داشته باشیم که همه نتایج تغییرات و تفاوت بین نسلی ضرورتاً منفی نخواهد بود. مثلاً شکل‌گیری، نگرش‌های علمی، توجه به خردمندی و عقلانیت، توجه به ارزش‌های جهانی و محیط زیست، افزایش تسامح و تساهل و انعطاف‌پذیری در رفتار، ابداع، نوآوری و خلاقیت علمی و ذهنی نیز می‌تواند مثبت باشد و کارکردهای مؤثر داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که در راستای شناخت هر چه بیشتر سمت و سوی ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های آن در بین نسل‌ها با توجه به نوع پیامدها و کارکردهای آن توسط یک تیم بین رشته‌ای و آکادمیک با چارچوب‌های نظری قوی هر بار آزمون و بازآزمون شود تا تعمیم‌پذیری نظریه‌های مربوطه به حداکثر برسد.

همان‌طوری که علمای جامعه‌شناسی گفته‌اند، تغییر فرهنگ و ساختارهای نظام ارزشی جامعه بسیار پیچیده، مبهم، پنهان و یک فرآیند طولی‌المدت است، لذا به نظر می‌آید به جای تاکید مضاعف بر برخی از عناصر ارزشی جامعه از سوی متولیان جامعه و ایجاد فضای سفت و سخت جهت‌گیری‌های ارزشی بهتر است با ایجاد گفت‌وگو، دوستی، بحث و مناظره و گسترش جو همدلی و همگرایی و با افزایش انعطاف‌پذیری، و توان تحمل در برابر رفتارهای عجولانه و شتاب‌زده برخی از جوانان شرایطی را ایجاد کنیم تا بجای تخالف بر سر ارزش‌های محوری بتوانیم آشتی و توافق ارزشی و ملی را بنا نهیم.

از سوی دیگر ریل‌گذاری جامعه به سمت رشد اقتصادی، توسعه و آشنایی با سبک و سیاق زندگی مدرن که در رسانه‌ها، مطبوعات و از سوی دیگران مهم، تبلیغ، تشویق و ترغیب می‌شود، بن‌مایه‌های جهت‌گیری جوانان به سمت ارزش‌های فردی و مادی را دوچندان کرده است، در کنار این فرآیند می‌توان بر تغییر در سلايق و علایق سطوح فردی جامعه نیز تاکید کرد. تحلیل یافته‌ها، بر فرضیه‌هایی که درباره تغییر ارزش‌های به سمت مادی‌گرایی را در بین جوانان مطرح است، نشان می‌دهد. جهت و میزان همبستگی‌ها بین عوامل زیربنایی که به وسیله طبقات ارزشی سنجش شده است، به عنوان مسایل روز تلقی

شده و تقریباً هماهنگ با نتایجی است که در تحقیقات مشابه در جوامع دیگر که ساختار مشابه کشور ما را دارند، بیان می‌کند.

همانند برخی از تحقیقات مشابه که در خصوص ارزش‌ها و نسل‌ها انجام گرفته است شدت تغییرات همانند کشورهای دیگر چندان پرشتاب و همه‌جانبه نیست که تبدیل به یک معضل اجتماعی شده باشد، اما به هر حال به عنوان یک روند و سرآغاز در بین جوانان سنین پایین‌تر مطرح شده است، همین امر را می‌توان یکی از دلایل جامعه‌شناختی شکل‌گیری تعارض‌ها، کشمکش‌ها و تضادهای اجتماعی و فرهنگی در بین برخی از گروه‌های اجتماعی دانست. نتایج تحقیق اختلال و سو کارکرد را در عواملی که بر فرآیند جامعه‌پذیری ارزش‌ها در بین جوانان مؤثر هستند، در کاستن تنش‌ها و ایجاد دوستی‌ها در بین نسل‌ها می‌دانند: مثلاً والدین با کنترل و نظارت بر برخی از این متغیرها و گسترش ارتباط با خویشاوندان سببی و نسبی و حرمت داشتن بزرگترها و نسل‌های قبلی می‌توانند بر اهمیت نهاد خانواده در شکل‌گیری رفتار صلح‌جویانه تاثیرگذار دانست.

از سوی دیگر عوامل و متغیرهایی مانند اهمیت حساسیت ارتباط با دیگران مهم طرفداری از یک شخص و یا گروه خاص و تبعیت از رفتارها و مطلوب‌های آنان و تصحیح کیفیت روابط با گروه‌های تاثیرگذار تطبیقی و هنجاری و پیش‌بینی نتایج و سود حاصل از این نوع ارتباط با مال بر جهت‌گیری‌ها و سمت و سوی گرایش‌های ارزشی جوانان تاثیر می‌گذارد. در کل گزینش و ترجیح یک ارزش بر ارزش دیگر به مثابه یک عامل فرهنگی همیشه با مسایلی مواجه بوده است که زمینه شکل‌گیری رفتارهای مادی و غیرمادی را سبب می‌شود. هر چند عامل فرهنگ و وجود سازمان بروکراتیک با عملکردهای عقلانی و تبعیت از قواعد، مقررات و قوانین حاکم بر آن موجب فراز و فرودهایی در تصمیم‌گیری برای گزینش نوع اولویت ارزشی خاص مطرح است. اما به هر تقدیر شناخت عوامل و عناصر سبب‌ساز تغییرات ارزشی ریشه در عناصر و مؤلفه‌هایی دارد که کنکاش و جستجوی بیشتری را می‌طلبد.

منابع

- ۱- توسلی، غلامعباس، زمینه‌های اجتماعی گسست نسل‌ها در ایران، مجموعه گسست نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
 - ۲- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
 - ۳- توکلی، مهناز، مطالعات اجتماعی دین، نامه پژوهش، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
 - ۴- شاوردی، نهمینه، رویارویی ارزش‌ها، از تحول جمعیتی تا بحران آسیب‌زا، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
 - ۵- رفیع پور، فرامرز، وسایل ارتباط جمعی و تغییرات ارزش‌های اجتماعی، تهران: نشر کتاب افرا، ۱۳۷۸.
 - ۶- جلیلی، هادی، شکاف نسل‌ها، فصلنامه فرهنگ عمومی بهار و تابستان، تهران، ۱۳۷۸.
 - ۷- عطیعی هاشمی، مؤگان، ارزش‌های اجتماعی و اولویت ارزشی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، ۱۳۷۷.
 - ۸- رینزر، جرج، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، ۱۳۷۴.
 - ۹- طالبان، محمدرضا، دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموزان، آموزش و پرورش متعلقه پنج، تهران، ۱۳۷۸.
 - ۱۰- جیت‌ساز قمی، محمد جواد، گسست نسلی در ایران، افسانه یا واقعیت، مجموعه گسست نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
 - ۱۱- عبداللهیان، حمید، مفهوم‌سازی شکاف نسلی، مجموعه گسست نسل‌ها، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
 - ۱۲- محمودی، مه‌ری، نامه پژوهش مطالعات اجتماعی دین، شماره ۲۱-۲۰، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۸۰.
- 13- Newman- Schwartz, S. H. Value priorities and Behavior, Vol.25. San Diego (1-65). 1995.
- 14- Parson S, T. The social system, N. Y. Free press. 1989.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی